



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

تعامل بین حسابرسی مالی و حاکمیت شرکتی: شواهد از رومانی

چکیده

به منظور انجام یک حسابرسی مالی با کیفیت، وجود اطلاعات هم در مورد شاخص های مالی و هم در مورد حاکمیت شرکتی یک شرکت ضروری است. این تحقیق ارتباط (همبستگی) بین حسابرسی مالی و حاکمیت شرکتی نهادهایی که در بورس اوراق بهادار بخارست لیست شده اند و مطابق با رویکرد IFRS هستند را ارائه می دهد. با استفاده از یک مدل معادلات همزمان، ارتباط مثبتی بین حسابرسی مالی، که نماینده ی دستمزد حسابرسی آن است و نوع حسابرس نمایان شد و ارتباط منفی بین وجود کمیته ی حسابرسان، عدم وجود دوگانگی مدیرعامل/رئیس و سیستم مدیریتی یک رده ای وجود دارد.

واژگان کلیدی: حسابرسی مالی، حاکمیت شرکتی، رومانی، مدل معادله همزمان، IFRS

1. مقدمه

تحقیقات قبلی در زمینه ی حسابداری و امور مالی، شواهد اندکی در مورد عناصر حاکمیت شرکتی ارائه داده است. در حقیقت سیاست های حاکمیت شرکتی به طور متفاوت در مقاله کنترل شده است. رایج ترین رویکرد حاکمیت شرکتی بر پایه ی تئوری نمایندگی است. تئوری نمایندگی ابتدا توسط Jensen و Meckling در سال 1976 معرفی شد و مطرح می کند که فعالیت مدیریت مطابق با منافع خودشان است، که این رفتار حتی می تواند منجر به زیان سهامداران شود. به عنوان یک واقعیت، هدف حاکمیت شرکتی طراحی یک مکانیزم قراردادی برای کنترل این نوع رفتار می باشد. ایده ی پشت آن این است که به منظور کنترل و نظارت بر فعالیت هایی که مدیران انجام می دهند، اعضای هیئت مدیره باید از تیم مدیریت مستقل باشد. رویکرد دوم حاکمیت شرکتی از مدیریت می آید و آن یک دیدگاه وابستگی منابع می باشد. بر اساس این تئوری مدیران و هیئت مدیره در توسعه ی استراتژی ها و سیاست ها به یکدیگر کمک می کنند. اعضای هیئت مدیره برای دسترسی و جذب منابع مالی خارجی توانایی و دانش لازم را دارند.

آخرین رویکرد حاکمیت شرکتی، نقش اساسی آن را تکذیب می کند. این دیدگاه بر پایه ی هژمونی مدیریتی است و بنابراین نقش حاکمیت شرکتی فقط نمادین بوده، چون نمی تواند برای کنترل و نظارت بر فعالیت ها استفاده شود. بر اساس این دیدگاه، عملکرد هیئت مدیره به مقررات تنظیمی و افزایش غرامت مدیریت محدود می شود.

یکی از مشکلات اصلی این دیدگاه، مربوط به این واقعیت است که هیچ مرجعی در حسابرسی مالی وجود ندارد، بنابراین پژوهش حاضر تلاش می کند ارتباط بین مشخصه های حسابرسی مالی و عناصر حاکمیت شرکتی را با توجه به بازار رومانی بیابد.

ادامه ی تحقیق به صورت زیر می باشد: ابتدا یک بررسی کوتاه در مورد ادبیات تحقیق با توجه به وابستگی بین حسابرسی مالی متغیر های حاکمیت شرکتی ارائه شده است، در قسمت بعد، متدولوژی تحقیق بیان شده، در ادامه بخشی است که در آن نتایج بحث شده است. این مقاله با نتیجه گیری، پیشنهادات و با ارائه ی دیدگاه آینده ی پژوهش به پایان می رسد.

ترجمه فا

2. مروری بر ادبیات

به طور کلی وقتی که بین حسابرسی مالی و حاکمیت شرکتی ارتباط وجود دارد، رابطه ای که اغلب مورد تحقیق قرار می گیرد این است که چگونه متغیرهای حاکمیت شرکتی، حسابرسی مالی را تحت تاثیر قرار می دهد. در مطالعات مختلف، یک پروکسی (نماینده) برای حسابرسی مالی، حق الزحمه ی حسابرسی است. رابطه ی بین پاداش حسابرسی و بقیه ی متغیرهای حاکمیت شرکتی بر مشخصات هیئت مدیره بستگی دارد (نوعی کنترل که هیئت مدیره با توجه به کنترل و نظارت فعالیت ها اعمال می کند). برای مثال O'Sullivan در سال 2000 دریافت زمانی که نسبت مدیران اجرایی بیشتر است، حق الزحمه ی حسابداری بالاتر است، در حالی که Gul و Tsui (2001) رابطه ی مثبتی بین حق الزحمه ی حسابرسی و جریان نقدی بالا گزارش دادند. کارسلو و همکاران (2002) ثابت کردند که پاداش حسابرسی بر استقلال هیئت مدیره بستگی دارد. به نظر می رسد که چنانچه هیئت مدیره مستقل تر باشد، تمایل بیشتری به پرداخت هزینه های حسابرسی خارجی دارد. در مقابل این، Maug و Schneider (2008) شواهدی برای حمایت از همبستگی بین حق الزحمه ی حسابداری و استقلال هیئت مدیره نیافتند. در تحقیق دیگری که توسط میترا و همکاران (2007) انجام شد، نتایج تاکید می

کند که یک شرکت وقتی متمایل به پرداخت حق الزحمه ی حسابرسی بالاتری است که مالکیت نهادی (پراکنده) داشته باشد.

نتایج منفی توسط فرانکل و همکاران (2002) کشف شد که اشاره می کند که وجود خدمات غیر حسابرسی می تواند بر استقلال حسابرسان تاثیر بگذارد و می تواند پیدایش انباشته احتیاطی را تشویق کند. از طرف دیگر لارکر و ریچاردسون (2004) مطرح کردند که اگر شرکت دارای ضعف سیستم حاکمیتی است، این عناصر خاص می تواند ظاهر شود. علاوه بر این به نظر می رسد که شهرت حسابرس این نوع اعمال را کاهش می دهد.

با توجه به سایر عناصر حاکمیت شرکتی و وابستگی آنها با حق الزحمه ی حسابرسی، نقش مهمی به کمیته ی حسابرسی داده شده است. تحقیقات مانند آنچه توسط ابوت و همکاران (2003) انجام شده یا توسط جینور و همکاران (2006)، یک رابطه ی مثبت بین وجود کمیته ی حسابرسی و مقدار دریافتی حسابرسان در قبال فعالیت حسابرسیشان وجود دارد. نتایج مشابهی توسط وولر و همکاران (2013) و استوارد (2006) کشف شد، در حالی که دیگر تحقیقات مانند آنچه که توسط کوهن و هانو (2000) انجام شد نشان داد که ریسک مربوط به فعالیت های حسابرسی باید در زمانی که کمیته ی حسابرسی آشکار است، کاهش یابد.

یکی دیگر از متغیرهای حاکمیت شرکتی دوگانگی بین مدیرعامل و رئیس شرکت است. در ادبیات گزارش شد که شرکت های با هیئت مستقل حق الزحمه ی حسابرسی پایین تری پرداخت می کنند. توضیحش این است که با توجه به این واقعیت، شرکتی که وابسته است ریسک شرکتی کم تری دارد. نتایج یک تحقیق دیگر که توسط دسندر و همکاران (2009) انجام شد ثابت می کند که دوگانگی مدیرعامل/رئیس به صورت منفی پاداش حسابرسی را تحت تاثیر قرار می دهد.

با توجه به بازار رومانی، تنها چند پژوهش عناصر حاکمیت شرکتی را بررسی نمودند. یکی از آن ها مطالعه ی است که توسط Dobre و همکاران (2012) انجام شده است که ثابت نمودند وجود کمیته ی حسابرسی و وجود اطلاعات مربوط به مکانیزم حاکمیت شرکتی بر حسابرسی تاثیر می گذارند که مقیاس دیگری برای ارائه ی شواهد برای فعالیت حسابرس است. تحقیق دیگری توسط Dobre و همکاران (2012) انجام شده که آن ها، هم بستگی مثبتی بین هزینه حسابرس و پاداش مدیریت یافتند.

3- روش شناسی تحقیق

ایده ی پژوهش، ارائه ی شواهدی در مورد رابطه ی بین عناصر حاکمیت شرکتی و حسابرسی مالی است. ادبیات (پیشینه ی تحقیق) موجود هم ب مدل های رگرسیون چندگانه و هم بر مدل های دوتایی (که در آن متغیر وابسته از طریق نوع حسابرسی نشان داده می شود) یا بر مدل های معادلات هم زمان تمرکز دارد. تحقیق ما با استفاده از مدل معاملات هم زمان انجام شده است. همان طور که مطرح نمودیم، وابستگی متقابل بین حسابرسی مالی و متغیرهای حاکمیت شرکتی وجود دارد. این پژوهش بر شرکت هایی انجام شده که در فهرست بورس اوراق بهادار بخارست آمده اند.

به منظور انتخاب شرکت هایی که ما در پایگاه خود قرار داده ایم، همه ی نهادهایی را برگزیدیم که مجبور بودند صورت های مالی شخصی خود را از 2012 با استفاده از رویکرد IFRS گزارش دهند. با توجه به نهاد نظارت مالی رومانیایی، 71 شرکت صورت های مالی شخصی خود را با استفاده از رژیم حسابرسی جدید گزارش می دهند. ما از نمونه های اولیه، شرکت هایی که ارزش سرمایه سهامداران آن ها بین سال های 2010 و 2012 منفی بوده را حذف نمودیم (که هم شامل دوره ی تحول مقیاس های IFRS و هم سال پذیرش است). شرکت هایی را که بین سال های 2010 و 2012 ورشکسته بودند و شرکت هایی را که اطلاعات مرتبط با پاداش حسابرسان ارائه نکردند را نیز مستثنی نمودیم. در پایان نمونه ی ما 41 شرکت است.

هدف ما تجزیه و تحلیل داده های اخیر بود. متأسفانه هیچ اطلاعات کافی در مورد دستمزد حسابرسان در سال های 2012 و 2013 یافت نشد. بنابراین این مدل با استفاده از داده هایی از سال 2011 اجرا شد. داده ها از محل شرکت های فردی انتخاب شد، هم از صورت های مالیشان و هم از سند حاکمیت شرکتی.

در تجزیه و تحلیل ها، چندین نماینده را برای اندازه گیری اثرات حاکمیت شرکتی بر حسابرسی مالی به حساب آورده ایم. بر اساس برخی از مطالعات، اندازه ی هیئت نظارت و وجود کمیته ی حسابرسی بر ریسک حسابرسی و هم چنین بر تلاشی که حسابرسان مالی در طول فرایند حسابرسی انجام می دهند، اثر دارد. با توجه به این، ما در تجزیه و تحلیلیمان، وجود کمیته ی حسابرسی (DCOMT) را به حساب آوردیم، اگر شرکت یک کمیته ی حسابداری داشته باشد 1 و در غیر این صورت صفر می گیرد. ما برای هیئت نظارت، تعدادی از مدیران اجرایی شرکت را به عنوان نماینده استفاده نمودیم (NOEXB). از طریق تجزیه و تحلیل صورت های مالی فردی،

مشاهده نمودیم که برخی از نهادها از هیئت مدیره ی خود تعداد ثابتی برای اعضای اجرایی ندارند. به منظور به دست آوردن تخمینی قابل اطمینان، متوسط تعداد اعضای هیئت رئیسه ی شرکت را معین نمودیم.

ما نوعی از سیستم مدیریت را در نیز در نظر گرفتیم که شرکت متغیری ساختگی دارد (DSYST). به عنوان یک واقعیت، اگر نهادی سیستم مدیریت تک رده ای داشته باشد، ارزش DSYST آن 1 است، در غیر این صورت اگر شرکت سیستم مدیریت دو رده ای داشته باشد، ارزش متغیر ساختگی آن صفر است. متغیر دیگری که با قاعده ی حاکمیت شرکتی مرتبط است، تمایز بین مدیرعامل و رئیس ی دوگانگی مدیرعامل/رئیس است. در نظر گرفتیم که اثر آن را می توان با استفاده از متغیر ساختگی اندازه گیری نمود که آن را به صورت DCEO کدگذاری نمودیم. اگر شخصی که مدیرعامل است از فردی که رئیس شرکت است متمایز باشد ا را اعطا می نماییم.

با توجه به ویژگی های حساسی، 2 متغیر مانند ارزش دستمزد حسابرسان استفاده شده است (ارزش لگاریتمی و کد LOGAF و نوع حساسی که شرکت دارد با استفاده از یک متغیر ساختگی اندازه گیری می شود (متغیر به عنوان DAUD کدگذاری شده است). اگر حسابرسان شرکتی از 4 شرکت بزرگ Pricewaterhousecoopers ، Ernst ، KPMG و Youngand Deloie Touche Tohmastu بود 1 و در غیر این صورت صفر دریافت نمود.

برخی متغیرهای فردی را نیز مورد توجه قرار دادیم، مانند: درصد سهامی که سهامدار اصلی دارد (PCT)، بازگشت دارایی (که به عنوان نماینده ی سودآوری به کار می رود و ROA کدگذاری شده است)، اندازه ی شرکت (از طریق ارزش لگاریتمی دارایی های کل اندازه گیری شده و LOGTA کدگذاری شده) و نسبت بدهی (به عنوان نسبت بین مجموع بدهی نهاد و ارزش سرمایه ی صاحبان سهام اندازه گیری شده و LEV کدگذاری شده است). همه ی متغیرها با استفاده از داده های مالی یک سال قبل از آن که تجزیه و تحلیل ما صورت پذیرد محاسبه شده است.

همان طور که پیش از این اشاره نمودیم، مدلی که ما بر آن تحقیق را انجام دادیم مدل معادلات هم زمان است که دارای 3 معمله است. شکل ساختار آن در معادله 1 و 2 ارائه شده است.

$$\left\{ \begin{array}{l} LOGAF_i = \alpha_0 + \alpha_1 * DSYST_i + \alpha_2 * DCEQ_i + \alpha_3 * DCOMT_i + \alpha_4 * DAUD_i + \alpha_5 * NOEXB_i + \varepsilon_i \quad (1) \\ NOEXB_i = \beta_0 + \beta_1 * PCT_i + \beta_2 * ROA_i + \beta_3 * LEV_i + \beta_4 * LOGTA_i + \beta_5 * LOGAF_i + \beta_6 * DSYST_i + \beta_7 * DCEQ_i + \mu_i \quad (2) \end{array} \right.$$

در حالی که ε_i و μ_i اصطلاحات خطای سیستمی است و از 1 تا 41 می باشد.

هر معادله ی سیستم بیش از حد شناسایی شده است به دلیل این واقعیت که تعدا متغیرهای درونی (که LOGAF و NOEXB هستند) منهای یک ، کم تر از تعداد متغیرهایی است که از هر معادله از دست می روند.

به منظور تعیین ارزش تمایل به سازمان ملل از ضرایب، این مدل در دو مرحله برآورد شده است. در ابتدا شکل کاهش یافته ی معادله برآورد شد، در مرحله ی دوم مقدار برآزنده شده به عنوان نماینده ی متغیرهای درونی در شکل ساختاری استفاده شد.

فرضیه های تحقیق عبارتند از:

H1: باید هم بستگی منفی بین نوع سیستم و دستمزد حسابرسان وجود داشته باشد، اما این همبستگی به اندازه ی شرکت بستگی دارد.

H2: رابطه ای منفی بین دوگانگی مدیرعامل/رئیس و دستمزد حسابرسان وجود دارد.

H3: رابطه ای منفی بین وجود کمیته ی حسابرسی و دستمزد حسابرسان وجود دارد.

H4: رابطه ای مثبت بین نوع حسابرس و دستمزد حسابرسان وجود دارد.

H5: هم بستگی منفی بین تعدا مدیران اجرایی و دستمزد حسابرسان وجود دارد.

4- نتایج و بررسی ها

همان طور که اشاره شد، هدف از این تجزیه و تحلیل، ارائه ی شواهدی درمورد هم بستگی بین ویژگی های بین حسابرسان مالس و متغیرهای حاکمیت شرکتی است. برای روشن کردن این جنبه، در ابتدا به ماتریس هم بستگی اشاره شد. ماتریس هم بستگی در جدول 1 نشان داده شده است.

جدول ۱. ماتریس همبستگی

Element	LOGAF	DSYST	DCEO	DCOMT	DAUD	NOEXB	PCT	ROA	LEV	LOGTA
LOGAF	1									
DSYST	-0.343**	1								
DCEO	-0.097	-0.245	1							
DCOMT	-0.026	-0.350**	0.173	1						
DAUD	0.147	-0.192	0.061	0.029	1					
NOEXB	0.062	-0.125	0.186	0.201	0.4219*	1				
PCT	0.149	0.212	0.063	-0.325**	0.147	0.086	1			
ROA	-0.069	0.032	0.049	0.165	-0.171	-0.051	-0.136	1		
LEV	0.132	0.131	-0.241	-0.099	0.037	-0.263	0.094	-0.090	1	
LOGTA	0.481*	-0.355**	0.160	0.254	0.133	0.415*	0.207	0.019	-0.053	1

همان طور که در جدول 1 دیده می شود، اندازه ی شرکت هم بستگی بیشتر از 0.4 دارد. به نظر می رسد زمانی که شرکت بزرگ تر است، دستمزد حسابرسان بیشتر است. هم بستگی دیگری بین اندازه ی شرکت و تعداد مدیران اجرایی وجود دارد. به منظور ارائه ی شواهد، اگر برآورد خوبی باشد، هر دو مدل (LOGAT) که به حساب آمد و مدلی که حذف شده بود در جدول 2 نشان داده شده است. هم بستگی مهم دیگری بین نوع حسابرسان و تعداد اعضای اجرایی هیئت مدیره یافت شده است.

با توجه به روش های برآورد، انتظار نتایج بهتری در مورد اندازه ی شرکت هایی که از تجزیه و تحلیل حذف شدند، داشتیم. نتایج در جدول 2 ارائه شده است.

جدول ۲. هم بستگی بین دستمزد حسابرس و متغیرهای حاکمیت شرکتی

عناصر	مدلی که اندازه ی شرکت را به شمار آورده	مدلی که اندازه ی شرکت را به شمار نیاورده
Constant	4.8448*	5.3409*
DSYST	-0.5765*	-0.5329*
DCEO	-0.2125*	-0.1457*
DCOMT	-0.1952*	-0.1135*
DAUD	-0.1536***	0.0704**
NOEXB	0.1510*	0.0007
R squared	65.48%	75.73%
DW	2.32	2.52
Heteroscedasticity	Yes	No

در جدول 2 می توان دید که مناسب ترین نتایج از مدلی است که اندازه ی شرکت را به شمار نیاورد. با توجه به این واقعیت، توضیحش این است که مقادیر بیشتر مربوط به R-Squared است و علاوه بر این در مدل دوم شواهدی بر ناهمگن بودن واریانس وجود ندارد.

در جدول 2 می توان دید که همه ی متغیرها، ضرایب آماری معنی داری از صفر دارند. نتایج، ش.اهدی ارائه می دهد مبنی بر اینکه وجود سیستم تک رده ای اثری منفی بر مقداری که حسابرسان مالس دریافت می کنند، می گذارد. هم چنین زمانی که اندازه ی شرکت ها مورد توجه قرار گرفته، نشانه ای از ضرایب تغییر نمی کند. بنابراین نتایج ما به H1 اعتماد می نماید.

با توجه به دوگانگی مدیرعامل/رئیس، هم بستگی منفی با دستمزد حسابرسان کشف شد. به عبارتی اگر مدیرعامل شرکت همان رئیس شرکت نباشد، انتظار شفافیت بیشتری در گزارش دهی داریم. در نتیجه، ریسک مرتبط با فعالیت حسابرسان کم تر می شود، بنابراین دستمزدهای کمتری به حسابرسی مالی به عنوان بخشی از قرداد پرداخت، پرداخته می شود. بر اساس این فرضیه، H2 درست است.

با توجه به وجود کمیته ی حسابرسی، نتایج، شواهدی ارائه می دهند بر اینکه فرضیه ی H3 معتبر است. حضور کمیته ی حسابرسی و فعالیتش برای کم کردن ریسک حسابرسی که حسابرسان مالی با آن مواجهند، مورد توجه قرار می گیرد. نتایج ما با نتایج تحقیق کوهن و هابو (2000) مطابقت می کند. همان طور که پیشینه ی تحقیق نشان می دهد، رابطه ی مثبتی بین نوع حسابرسی و دستمزد حسابرسان وجود دارد. توجیه هایی وجود دارد که حسابرسان Big4 برای شهرتشان تمایل بیشتری به تقلب در گزارش دارند. H4 به عنوان حقیقتی معتبر است.

زمانی که تعداد مدیران اجرایی از هیئت مدیره و پاداش حسابرسان می آید، هیچ فرضیه آماری برای شرکت های رومانیایی ساخته نمی شود. حتی اگر نشانه های مرتبط با تعداد مدیران اجرایی از هیئت مدیره مثبت باشد، علامت آماری از صفر وجود ندارد. با توجه به این H5 رد می شود.

نتایج ما با نتایج به دست آمده توسط Voeller و همکاران (2013) زمانی که با وجود کمیته ی حسابرسی و نوع حسابرسان مواجه می شوند، مشابه است. با توجه به اینکه تعدادی از اعضای نظارت را با تعدادی از هیئت اجرایی جایگزین نمودیم، روابط مثبت یکسانی به دست آمده اما هیچ آمار مربوطی به دست نیامد.

5- نتایج

هدف این تحقیق اشاره به هم بستگی موجود بین حسابرسی نالی و متغیرهای حاکمیت شرکتی در شرکت های رومانیایی است. در ابتدا اطلاعاتی از 71 شرکت نمونه جمع اوری شد، اما به دلیل ارزش منفی سرمایه ی آن ها و

به دلیل فقدان اطلاعاتی در مورد پاداش حسابرسان و یا به دلیل این حقیقت که ورشکستگی‌شان شروع شده بود، این پژوهش با استفاده از 41 شرکتی نمونه انجام شده است. زمانی که داده دریافت شدند، تجزیه و تحلیل با استفاده از اطلاعات مالی سال 2011 پیاده سازی شد. داده ها با استفاده از مدل معادلات هم زمان مدلسازی شد. ما در نظر گرفتیم که وابستگی بین متغیرهای حسابرسی مالی و شاخص های حاکمیت شرکتی وجود دارد. نتایج برخی از ویژگی های خاص شرکت های رومانیایی را نشان می دهد. اول از همه، همبستگی مثبتی بین نوع حسابرس و دستمزدی که برای فرایند حسابرسی دریافت می کنند، وجود دارد.

هم چنین اثرات منفی متغیرهای حاکمیت شرکتی بر پاداش حسابرسان یافتیم. در حقیقت اگر شرکتی یک سیستم مدیریت یک رده ای داشته باشد، مقدار دریافت شده توسط حسابرسان نیز کم تر از دستمزدی است که آنان زمانی دریافت می کردند که شرکت، سیستم مدیریت دوردینی داشت. همبستگی منفی نیز بین ارزش دستمزد حسابرسان و وجود کمیته ی حسابرسی، ریسک مربوط به فعالیت های حسابداری را کاهش می دهد اما پاداش حسابرسان مشابه است.

با توجه به دوگانگی مدیرعامل/رئیس، نتایج مشابهی به دیت آمده است. در حقیقت اگر دو نفر به عنوان مدیرعامل و رئیس وجود داشته باشند، مقداری که حسابرسان دریافت می کنند کم تر از موردی است که فقط یک نفر هر دو موقعیت را داراست. زمانی که مدیرعامل از رئیس شرکت متمایز است، شفافیت بیشتر و ریسک کمتر است، مدیران دستمزد کمتری به حسابرسان مالی می دهند.

با توجه به تعداد اعضای اجرایی هیئت مدیره، هیچ نتیجه ی قابل اعتمادی نمی تواند از تجزیه و تحلیل ما به عنوان ضریب مرتبطی که معنی داری آماری از صفر ندارد، کاسته شود.

فقدان پژوهشی با عدم شفافیت شرکت های رومانیایی مرتبط است، با توجه به اینکه آن ها پاداش حسابرسان خود را گزارش نمی دهند، داده ها به صورت دستی و با ابعاد کوچکی که که نمونه هایمان دارند، جمع آوری شده است.

هدف تحقیق آینده، تعیین تاثیر اقدامات حاکمیت شرکتی مانند اثر هیئت نظارت است، روشی که فرایند حسابرسی داخلی بر حسابرسی مالی با استفاده از مدل معادلات هم زمان و مدلی که بر پایه ی سایر تکنیک های تخمین است، انجام شده است: مانند مدل دودویی.

References

- Abbott, L., J., Parker, S., Peters, G., F., Raghunandan, K., 2003. The association between audit committee characteristics and audit fees, *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 22, p. 17
- Agrawal, A., Knoeber, C., R., 1996. Firm performance and mechanisms to control agency problems between managers and shareholders, *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 31, p. 377
- Beiner, S., Drobetz, W., Schmid, M., M., Zimmermann H., 2006. An integrated framework of corporate governance and firm valuation, *European Financial Management* 12, p. 249
- Boyd, B., 1990. Corporate Linkages and Organizational Environment: A Test of the Resource Dependence Model, *Strategic Management Journal* 11, p. 419-430
- Carcello, J., V., Hermanson, D., R., Neal, T., L., Riley, R., A. 2002. Board characteristics and audit fees, *Contemporary Accounting Research* 19, p. 365
- Cheng, S., 2008. Board size and the variability of corporate performance, *Journal of Financial Economics* 87, p. 157
- Cohen, J., R., Hanno, D., M., 2002 "Auditors' Consideration of Corporate Governance and Management Control Philosophy in Preplanning and Planning Judgments", *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 19, p. 133
- Core, J., E., Holthausen, R., Larcker, D., F., 1999. Corporate Governance, Chief Executive Officer Compensation and Firm Performance, *Journal of Financial Economics*, 51, p. 371
- Desender, K. A., Cestona, M., A., G., Crespi, R., Aguilera, R., V., 2009. Board characteristics and audit fees: why ownership structure matters?, working Paper, College of Business of the University of Illinois, available online at http://www.business.illinois.edu/working_papers/papers/09-0107.pdf
- Dittmann, I., Maug, E., G., Schneider, C., 2008. Bankers on the board of German firms: What do they do, what they are worth, and why they are (still) there, *Review of Finance* 14, p. 35
- Dobre, F., Turlea, E., Bodislaw, A., 2012a, "External audit role in supporting efficient corporate governance", Second International Conference Globalization: Business, Finance and Education- GB-2012, European Session, Mamaia, Romania, 4-5 August 2012
- Dobre, F., Caloian, F., Brad, L. 2012b, Connections between audit fees and the manager's salary on BSE, 6th International management Conference "Approaches in organisational management", Bucharest, 15-16 November, 2012
- Frankel, R., M., Johnson, M., F., Nelson, K., K., 2002. The relationship between auditors' fees for non-audit services and earnings quality, *Accounting Review* 77, p. 71
- Gaynor, L., M., Linda S., McDaniel, L., Terry L., N., 2006. The effects of joint provision and disclosure of nonaudit services on audit committee members' decisions and investors' preferences, *The Accounting Review* 81, p. 873
- Gul, F., A., Tsui, J., S., L., 2001. Free Cash Flow, Debt Monitoring, and Audit Pricing: Further Evidence on the Role of Director Equity Ownership, *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 20, p. 71
- Jensen, M., C., Meckling, W., H., 1976. Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure, *Journal of Financial Economics* 3, p.305
- Kosnick, R., D., 1987. Greenmail: A Study of Board Performance In Corporate Governance, *Administrative Science Quarterly* 32, p. 163
- Larcker, D.F., Richardson, S.A., Seary, A., Tuna, A.I., 2005. Back Door Links Between Executives and Executive Compensation, Working Paper, The University of Pennsylvania
- Michaely, R., Shaw, W., 1995. Does the choice of auditor convey quality in an initial public offering?, *Financial Management* 24, p. 15
- Mitra, S., Hossain, M., Deis, D., R., 2007. The empirical relationship between ownership characteristics and audit fees, *Review of Quantitative Finance and Accounting* 28, p.257
- O'Sullivan, N., 2000. The Impact of Board Composition and Ownership on Audit Quality: Evidence from Large UK Companies, *British Accounting Review* 32, p. 397
- Steward, J., G., Kent, P., 2006. The relation between external audit fees, audit committee characteristics and internal audit, 9-1-2006 Working Paper Faculty of Business Publications, available at http://epublications.bond.edu.au/business_pubs/14/
- Tsui, J., S., L., Jaggi, B., Gul, F., A. 2001. CEO Domination, Growth Opportunities, and their Impact on Audit Fees, *Journal of Accounting, Auditing & Finance* 3, p. 189
- Voller, D., Bremert, M., Zein, N., 2013. Interdependencies between auditing and corporate governance –evidence from Germany, *Auditing and Corporate Governance* 65, p. 198
- Yermack, D., 1996. Higher market valuation of companies with a small board of directors, *Journal of Financial Economics* 40, p.

برای خرید فرمت ورد این ترجمه، بدون واتر مارک، اینجا کلیک نمایید.

این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی